

در دسر عظیم پس از سرقت گوشی گوینده تلویزیون



گفت و گو با یکی از متهمان

همایون شما در بازجویی هاگفتی که سابقه دار نیستی، چه شد که سارق شدی؟

بله، من سابقه دار نیستم و اولین بار است که دستگیر شدم.

واقعیش بیکار بودم و برای اینکه هزینه عروسی ام را تأمین کنم روی به سرقت آوردم.

قبلا به چه کاری مشغول بودی؟

من بیک موتور کار می کردم، اما مدتی قبل به خاطر بدبی موتور سیکلم را فروختم و بیکار شدم. از طرفی هم قرار بود با نامزدم ازدواج کنم و به پول نیاز داشتم که به سراغ

سیاوش رفتم و از او خواستم برای من کاری پیدا کند که او

هم گفت بیکار است و پیشنهاد داد با هم به سرقت برویم.

خبر داشتی نامزدت تورا لو داد؟

بله، آن روز وقتی سیاهو پولیس رنگ زد و من گوشی را خاموش کردم نامزد فکر کرد من بازن دیگری ارتباط دارم که با آن شماره تماسی گرفته بود و اینگونه را سرقت های سریالی ما بر ملا شد.

شما که سابقه دار نبود ی اولین سرقت را چطور انجام دادید؟

زمانی که من و دوستانم تصمیم به سرقت گرفتیم چند

بررسی پیامک هایم بودم که موتور سیکلتی با

دو سرنشین به تاکسی نزدیک شدوتر کنشین

آن در یک چشم بهم زدن ددشتن را به داخل

خودرو آورد و گوشی ام را قاچید. در حالی که

شو که شده بودم فریاد زدم «ی دزد» که سارق

صورتش را به طرف من برگرداند و مرا نگاهی کرد و بعد از محل گریختند.

با طرح این شکایت پرونده گویند صدا و سیما

به دستور قاضی مدرس، دادیار دادسرای ویژه

سرت برای بررسی و شناسایی سارقان در

اختیار تیمی از کار آگاهان پایگاه پنجم پلیس

آگاهی پایتخت قرار گرفت.

همزمان با ادامه تحقیقات مأموران با

برای رفتن به خانه مان سوار تاکسی شدیم. در

صندلی عقب کنار در نشسته بودم و شیشه

در هم پایین بود و من هم با گوشی ام در حال

روزی در اطراف تهران تمرین سرقت کردیم و بعد به داخل خیابان رفتیم. آن روز به یاد دارم در اولین سرقت گوشی زن جوانی را قاچیدم.

آنقدر ترسیده بودیم که پس از فرار گوشی سرتی را در سطل زباله انداختیم اما بعد کم کم گوشی قاچی برای ما عادی شد.

چند وقت است سرقت می کنید؟

از سه ماه قبل شروع کردیم و معمولاً هم هفته ای ۵ تا ۶

گوشی سرقت می کردیم و گوشی های سرتی را هم به

مالخوری در کرج می فروختیم.

چندماه قبل در مناطق مختلف تهران گوشی شهروندان را سرقت می کنند. بررسی هانشان داد مالباخته ها در ایستگاه های اتوبوس، داخل خودروها پشت چراغ قرمز و داخل خیابان ها زمانی که با تلفن همراه در حال حرف زدن بودند از سوی دو پسر موتور سوار هدف سرقت قرار می گیرند.

■ **هوشیاری مأمور پلیس دست سارقان را رو کرد**

در حالی که تحقیقات در باره این حادثه

ادامه داشت افسر پرونده متوجه شد گوشی

سرتی گوینده رادیو و تلویزیون از سوی سارق

روشن شده است و احتمال داد که سارق قصد

دارد از این طریق از مالباخته اخاذی کند.

بنابراین برای شناسایی سارق با گوشی زن

جوان تماس گرفت اما فردی که گوشی در

اختیارش بود گوشی را خاموش کرد. پس از

این افسر پرونده چندین بار با گوشی سرتی

تماس گرفت اما موفق به صحبت نشد تا اینکه

ساعتی بعد زن جوانی با شماره افسر پرونده

تماس گرفت و از او سوال کرد که چرا چند بار

با گوشی نامزدش تماس گرفته است در چنین

شرایطی افسر پرونده از زن جوان خواست

بدون اینکه موضوع را به نامزدش اعلام کند

به اداره پلیس برود.

زن جوان پس از حضور در اداره پلیس وقتی

فهمید نامزش سارق است، گفت: مدتی

قبل با نامزدم که همایون نام دارد آشنا شدم و قرار بود به زودی با هم ازدواج کنیم. مدتی قبل متوجه شدم او با دختر دیگری هم ارتباط داشته است و به همین دلیل به رفتارهای او مشکوک شده بودم تا اینکه آن روز نامزدم پیش من آمد و گفت این گوشی را تازه خریده است. همان زمان چند باری

گوشی اش رنگ خورد اما او رد جواب داد و در نهایت هم گوشی را خاموش کرد. من احتمال

ادام دوباره با دختر دیگری ارتباط پنهانی

برقرار کرده است و نمی خواهد در حضور من

با او حرف بزنم به همین خاطر وقتی او برای

انجام کاری از خانه بیرون رفت گوشی اش را

روشن کردم و با شماره ای که در گوشی ثبت

شده بود، تماس گرفتم که تازه فهمیدم تماس

از اداره پلیس بوده و نامزدم سارق است و این

گوشی هم سرتی است و او به همین دلیل

گوشی را خاموش کرده است.

بدین ترتیب مأموران با همکاری زن جوان

مخفیگاه همایون را شناسایی و وی را دستگیر

کردند. متهم در بازجویی ها به سرقت های

سریالی با همدستی یکی از دوستانش به نام

سیاوش اعتراف کرد و مأموران نیز سیاوش

را دستگیر کردند دو متهم روز قبل به دادسرا

منتقل شدند و پس از اعتراف به دستسور

قاضی مدرس برای ادامه تحقیقات در اختیار

کار آگاهان پلیس آگاهی قرار گرفتند.

دفن جسد دوست قدیمی در باغچه خانه

حرف من ناراحت شد و شروع به فحاشی به من و خانواده ام کرد. من را رفتارش ناراحت شد و درگیری بین ما شروع شد تا اینکه با جسم سستگیمی چند ضربه به سرش زدم که روی زمین افتاد و بهپوش شد. بعد از لحظاتی اما متوجه شدم که او فوت شده است که ترسیدم و به فکر انتقال جسد اقدام مدتی بالای سر جسد نشستم و به دنبال راهی بودم تا جسد را محل زندگی مجید در شهرستان زنجان بگذارم که جسد را در باغچه خانه دفن کنم برای همین گودالی داخل باغچه کندم و شبانه جسد را دفن کردم. بعد از آن سوار خودروی داوود شدم و به سمت شهرستان گتاشتم که مخفیگاه وی شناسایی و متهم چهارم آذرماه در مخفیگاهش بازداشت شد.

مجید وقتی مورد بازجویی قرار گرفت به قتل اعتراف کرد و گفت: من و داوود از سال های دور با هم دوست بودیم و رفت و آمد داشتیم. روز حادثه داوود به خانه من آمد و با هم مواد مصرف کردیم. بعد از مصرف مواد بود که از او خواستم ۳ میلیون تومان پولی را که از او طلب داشتم، به من برساند. داوود اما از

کاشان در این شهر کشف شده است. تحقیقات بعدی پلیس نشان داد که آخرین بار مردی ۴۵ساله به نام مجید

در حال رانندگی با خودرو بوده است.

بررسی سوابق مجید نشان داد که او از

مجرمان سابقه دار و حرفه ای است که

قبلاً به اتهام جرائم مختلف بازداشت

شده و به زندان افتاده بود. بعد از به دست

آمدن این سرنخ بود که کار آگاهان راهی

محل زندگی مجید در شهرستان زنجان

شدند، اما مشخص شد که مجید قبل از

حضور پلیس از محل متواری شده است.

ردیابی های بعدی پلیس نشان داد که

مجید به روستایی در شهرستان هرمزگان

گریخته است که مخفیگاه وی شناسایی

و متهم چهارم آذرماه در مخفیگاهش

بازداشت شد.

مجید وقتی مورد بازجویی قرار گرفت

به قتل اعتراف کرد و گفت: من و داوود

از سال های دور با هم دوست بودیم و

رفت و آمد داشتیم. روز حادثه داوود

به خانه من آمد و با هم مواد مصرف

کردیم. بعد از مصرف مواد بود که از او

خواستم ۳ میلیون تومان پولی را که از

او طلب داشتم، به من برساند. داوود اما از

خانه هنرپیشه کلاهی ردار مخفیگاه سارقان بود

اعضای یک شبکه سرقت که در خانه یکی از هنرپیشه های کلاهی ردار پنهان شده بودند سر انجام بازداشت شدند.

به گزارش جوان، سرهنگ علی آقا کارخانه، سر کلانتر سوم پلیس

پیشگیری تهران بزرگ گفت: از مدتی قبل و همزمان با افزایش جرائم

سرت در این کلانتری تیمی از مأموران پلیس مأمور رسیدگی به این

پرونده شدند. تحقیقات مأموران کلانتری ۲۵ یوسف آباد بعد از بررسی

شکایت های مطرح شده سبب شد تا اعضای یک باند سرقت شناسایی

شوند و تحت مراقبت قرار گیرند. مأموران پلیس متوجه شدند که متهمان

شده اند و این خانه را پاتوق خود کرده اند. همچنین مشخص شد که این

خانه محل متعلق به یکی از هنرپیشه های معروف تلویزیون است که از

مدتی قبل به اتهام جعل و کلاهبرداری به زندان افتاده است. بعد از به

دست آمدن این اطلاعات بود که مأموران پلیس وارد مخفیگاه متهمان

شدند و همزمان با دستگیری آنها مقدار زیادی از لوازم سرقتی از جمله

چهار دستگاه موتور سیکلت، گوشی های ایل، تابلوهای نفیس و لوازم

تزئینی کشف کردند. یکی از متهمان گفت: هنرپیشه معروف از دوستان

من است و کلید خانه اش را به من سپرده بود که اینجا را به پاتوق تبدیل

کرده بودم که همراه دوستانم بازداشت شدم. سرهنگ علی آقا کارخانه

بازیان اینکه ارزش مالی پرونده در حال حاضر ۸۰۰ میلیون تومان است،

گفت: متهمان در بازجویی ها به صدها فقره سرقت اعتراف کرده اند و

تحقیقات برای کشف جرائم بیشتر آنها در جریان است.

کشف محموله بزرگ حبشیش در تسویه حساب سوداگران مرگ

تسویه حساب سوداگران مرگ منجر به کشف بیش از یک تن محموله حبشیش از سوی مأموران پلیس مبارزه با مواد مخدر تهران شد.

به گزارش جوان، سرهنگ محمد بخشنده رئیس پلیس مبارزه با مواد

مخدر تهران در توضیح ماجرا گفت: چند روز قبل مأموران پلیس هنگام

گشت زنی در خیابان امام خمینی به یک خودروی پژو سوار ۵۰۰ کیلو

کنا راننده ها شده بود، مظنون شدند و در بازرسی از خودرو ۷۵۰ کیلو

حبشیش کشف کردند. همزمان با کشف این محموله بزرگ حبشیش بود

که تحقیقات راری بازداشت راننده خودرو و به جریان افتاد و مأموران پلیس

در جریان تحقیقات میدانی متهم را بازداشت کردند. او در بازجویی ها

گفت که محموله حبشیش را از دست دو نفر از سوداگران مرگ بدوده و

در حال فرار بوده که با خودروی گشت پلیس مواجه شده و خودرو را را

کرده بود که خود هم گرفتار پلیس شد.

در جریان تحقیقات بعدی مشخص شد که متهمان اصلی پرونده در

جریان پرونده ای دیگر در حال انتقال یک محموله دیگر حبشیش از شهری

جنوبی به تهران هستند که خودرو آنها را در بزرگراه قم-تهران شناسایی و

پس از مراقبت های پلیسی، خودرو را متوقف و دو فقره قاچاقچی را دستگیر

کردند. مأموران پلیس در بازرسی از خودروی متهمان ۳۱۷ کیلو و

۱۰۰ گرم حبشیش و ۳۹ کیلو و ۷۰۰ گرم تریاک کشف کردند.

سرهنگ بخشنده گفت: در مجموع دو عملیات پلیسی یک تن و ۶۷۰ کیلو

و ۱۰۰ گرم حبشیش و ۳۹ کیلو و ۷۰۰ گرم تریاک کشف کردند و متهمان

پرونده هم به مرجع قضایی تحویل داده شدند.

مرگ مرد جوان بر اثر ترکیدن پیک نیک

مرد جوانی بر اثر ترکیدن گاز پیک نیک در خانه اش به کام مرگ رفت.

به گزارش جوان، ساعت ۱۴:۱۴ روز جمعه هشتم آذرماه مأموران کلانتری

۱۰۶ ناهنجاز حادثه آتش سوزی در خانه ای حوالی کلانتری باخبر و راهی

محل شدند. تحقیقات مأموران در محل حادثه نشان داد دقایقی قبل

داخل خانه ای گاز پیک نیک به دلایل نامعلومی ترکید است که در جریان

آن مرد ۳۴ساله ای به شدت زخمی و به بیمارستان منتقل شده است. در

حالی که تحقیقات در باره این حادثه ادامه داشت به مأموران خبر رسید که

مرد زخمی بر اثر شدت جراحات در بیمارستان به کام مرگ رفته است.

بنابر این جسد مرد فوت شده برای انجام آزمایش های لازم به دستور

باز پرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران به پزشکی قانونی

فرستاده شد.



مقتول

همسر مقتول خطاب به قاتل:

تو قاتل شوهرم هستی!

زن جوان که شوهرش با شلیک گلوله از سوی دوستش به قتل رسیده است در راهروی دادگاه در حالی که گر به می کرد عکس مقتول را به

متهم نشان داد و گفت: تو قاتل شوهرم هستی و با ار تکاپ قتل، من را با دو بچه یتیم و بیچاره کرده ای. متهم در حالی که در بازجویی های اولیه اتهام قتل را قبیول کرده بود در جلسه دادگاه جرمش را انکار کرد.

۱۸همن سال ۹۷، مردی مأموران پلیس جاجرود را از قتل مرد ۳۹ساله به نام رامین باخبر کرد. با اعلام این خبر مأموران بلافاصله در محل حاضر شدند و عامل قتل را که قصد فرار داشت بازداشت کردند. جسد که از ناحیه بازو و سینه مورد اصابت گلوله قرار گرفته بود به پزشکی قانونی منتقل شد و متهم در پلیس آگاهی تحت بازجویی قرار گرفت. بابت ۳۴ساله دارای سابقه شرارت و درگیری بود با اقرار به جرمش روانه زندان شد و پرونده در حال کامل شدن بود که این بار متهم با فرضیه خود کشی از سوی مقتول جرمش را انکار کرد و گفت قاتل نیست. با انکارهای متهم اما بنا به شواهد و قرائن موجود پرونده بعد از صدور کیفرخواست به شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و صبح دیروز روی میز هیئت قضایی قرار گرفت.

بعد از اعلام رسمیت جلسه، اولیای دم که پدر و مادر مقتول و دو فرزندانش بودند در خواست قصاص کردند. در ادامه متهم با توجه به شواهد و قرائن موجود همچنین گزارش پزشکی قانونی با ادعای فرضیه خود کشی را دیگر جرمش را انکار کرد و گفت: «من و رامین با هم رابطه کاری داشتیم و هر دو نفر کار تأسیسات ساختمانی داشتیم. روز حادثه قرار بود به یک ساختمان نیمه ساز برویم تا کارهای تأسیساتی آنرا انجام دهیم، اما رامین شروع به درد دل کرد و گفت از این زندگی خسته شده است. می گفت بدشانس هست و پدرش را که کمک مالی نمی کند و با همسرش نیز اختلاف دارد. او ناگهان اسلحه ای که همراه داشت را بیرون آورد و شلیک کرد. سعی کردم او را از این کار منصرف کنم اما بی فایده بود. آنجا بود که جرمی مرتکب نشدم و رامین خود کشی کرده است.» قاضی خطاب به متهم گفت: گزارش اسلحه شناسی تأیید کرده که حادثه خود کشی نبوده بلکه فرد دیگری ماشه را کشیده است. تو در بازجویی ها به قتل اعتراف کرد ای. چه پاسخی داری؟ [متهم سکوت کرد.]

در پایان هیئت قضایی جهت صدور رأی وارد شور شد.

■ **حاشیه دادگاه**

دو ساعت مانده بود به شروع جلسه محاکمه که در راهروی دادگاه متوجه زن جوانی شدم که عکس شوهر مرحومش را روی روی یک زندانی گرفته بود و می گفت: «دروغ توگو قاتل شوهرم هستی و مرا با دو بچه بیچاره کرده ای.»

نزدیکش رفتم. او اعتماد کرد و عکس شوهرش را نشان داد و گفت: «ببینید این جانی چه کسی را کشته است! او شوهرم بود و عاشق هم بودیم...»

کنار کشیدمش و از او خواستم آرام باشد. بعد از دقایقی سر حرف را باز کرد و گفت:

«در تهران بارش سمنآجر بودیم. شش ماه قبل از حادثه در روهن خانه خریدم و تازه

به آنجا رفته بودیم. شوهرم در تأسیسات ساختمان کار می کرد که در رابطه کاری با

متهم آشنا شد. متهم بعد از نصب کابینت های خانه مان رابطه بیشتری با ما پیدا کرد

و از آنجائیکه وضع مالی خوبی نداشت او را با داشتن سه فرزند در همسایگی مان

حمایت مالی می کردیم. پدرم به ما ۱۰ میلیون تومان برای پیش پرداخت اجاره

خانه کمک کرده بود. بابت هر بار به پنهانی سه خانمان می آمد تا اینکه متوجه

رفتارهای ناهنجار او شدیم به همین دلیل سعی کردیم او را به منزل مان راه ندهیم،

اما او کلیدهای خانه مان را سرت کرده بود.»

آن زن در ادامه گفت: «روز حادثه متهم با شوهرم تماس گرفت و از او خواست با هم بیرون بروند. شوهرم، بابت کار اسوار خود راوش کرد و گویا به اطراف جاجرود رفته بودند که در ماشین شلیک دو نیز شوهرم را به قتل می رساند. او برای گمراه کردن پلیس، خودش مأموران را خبر می کند که حین فرار پلیس او را دستگیر می کند.»

آن زن در حالیکه به شدت گریه می کرد، گفت: «این شور امروز با جویدن آدامس تو چشمان من نگاه می کند و می گوید شوهرم خود کشی کرده است. دروغ می گوید من لیسانس روانشناسی دارم کاملاً در این مدت شصت ناهنجار متهم را شناخته بودم. او بچه طلاق بود و بی رحمانه حیواناتی مثل سگ و گربه که در خیابان زیاد است اذیت می کرد. او حتی به من و شوهرم گفته بود قصد دارد پدرش را برای دریافت ارثیه به قتل برساند.» این در حالی بود که پدر متهم نیز آنجا حضور داشت و حرف های زن جوان را تأیید می کرد!

قلیان جان دختر جوان را گرفت

دختر جوانی پس از کشیدن قلیان به طرز مرموزی به کام مرگ رفت.

به گزارش جوان، ساعت ۲۳:۳۰ شامگاه جمعه هشتم آذرماه مأموران کلانتری ۱۱۲

ابوسعبد با تماس کارکنان بیمارستان لقمان از مرگ مشکوک دختر جوانی با خبر

و راهی محل شدند. مأموران در بیمارستان با جسد دختر ۳۰ساله ای به نام آرزو

روبه رو شدند که به طرز مشکوکی به کام مرگ رفته بود. در حالی که گزارش های

اولیه پزشکیان حکایت از این داشت دختر جوان بر اثر کشیدن قلیان و مصرف

داروی آرامبخش فوت کرده است، مأموران در بررسی های خود دریافتند دختر

جوان قبل از فوت همراه نامزدش و یکی دیگر از دوستانشان در قهوه خانه ای حوالی

شهر قدس قلیان مصرف کرده و در حالی که حالش بد شده به خانه شان برگشته

است. همچنین منخص شد خانواده آرزو وقتی متوجه می شوند حال دخترشان

بد شده او را به بیمارستان منتقل می کنند اما وی در نهایت در بیمارستان فوت

می کند. همزمان با ادامه تحقیقات برای روشن شدن روایایی پنهان این حادثه

جسد دختر جوان به دستور باز پرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران برای

مشخص شدن علت اصلی مرگ و انجام آزمایش های لازم به پزشکی قانونی

منتقل شد.

